

در جستجوی «انسان ناب»

(نگاهی تطبیقی به متافیزیک و روش گروتفسکی و کریشنامورتی)

مسعود دلخواه

ترجمه‌ی عبدالمحمد دلخواه

با مقدمه‌ای از استاد مصطفی ملکیان

سرشناسه	د: دلخواه، مسعود، ۱۳۳۶ -
عنوان و نام پدیدآور	در جستجوی انسان ناب: (نگاهی تطبیقی به متافیزیک و روش گرونیفسکی و کریشنامورتی) / مسعود دلخواه؛ ترجمه‌ی عبدالمحمد دلخواه؛ با مقدمه‌ای از مصطفی ملکیان. تهران: انتشارات دوستان، ۱۴۰۰.
مشخصات نشر	۲۱۰ ص.
مشخصات ظاهری	978-622-97235-4-8
شابک	فیبا
وضعیت فهرست‌نویسی	عنوان اصلی: The pure man disciple of none...
یادداشت	کتابنامه: ص. ۲۰۳-۲۱۰.
یادداشت	نگاهی تطبیقی به متافیزیک و روش گرونیفسکی و کریشنامورتی.
عنوان دیگر	گرونیفسکی، یژی، ۱۹۳۳-۱۹۹۹ م. - نقد و تفسیر
موضوع	Grotowski, Jerzy - Criticism and interpretation :
موضوع	کریشنامورتی، جیدو، ۱۸۹۵-۱۹۸۶ م. - نقد و تفسیر
موضوع	Krishnamurti, J. (Jiddu) - Criticism and interpretation :
موضوع	Philosophical anthropology انسان‌شناسی فلسفی
موضوع	Personalism انسان (فلسفه)
شناسه افزوده	د: دلخواه، عبدالمحمد، ۱۳۳۱ - ، مترجم
شناسه افزوده	ملکیان، مصطفی، ۱۳۳۵ - ، مقدمه‌نویس
رده‌بندی کنگره	BD ۴۵۰
رده‌بندی دیویی	۱۲۸
شماره کتابشناسی ملی	۸۴۴۹۰۳
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا	

www.ketab.ir



انتشارات دوستان خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، پلاک ۳۳، تلفن: ۶۶۴۹۲۹۶۲

مسعود دلخواه

در جستجوی «انسان ناب»

(نگاهی تطبیقی به متافیزیک و روش گرونیفسکی و کریشنامورتی)

ترجمه‌ی عبدالمحمد دلخواه

با مقدمه‌ی مصطفی ملکیان

حروفچینی: شبستری

چاپ: دوستان

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۵۰ نسخه

همه حقوق محفوظ است.

تکثیر و انتشار این اثر به هر روش (بازنویسی، فتوکپی، ضبط الکترونیکی و ذخیره در سیستم بازیابی و پخش) بدون دریافت مجوز کتبی و قبلی از ناشر ممنوع است.

www.doostaan.ir

سایت:

doostanpub@yahoo.com

پست الکترونیکی:

www.bahanbook.ir

فروش اینترنتی:

فهرست

۹	مقدمه‌ی استاد مصطفی ملکیان
۲۳	از زبان مترجم
۲۵	قدردانی نویسنده
۲۷	مقدمه

فصل اول

۲۹	ماهیت و هدف تئاتر گروتفسکی
۲۹	ماهیت آزمایش‌های گروتفسکی چیست؟
۳۰	متافیزیک گروتفسکی چیست؟
۳۴	دو نوع تئاتر، دو ایزد، دو معبد
۳۸	تئاتر گروتفسکی: تلفیق اصول آپولونی و دیونسی
۴۱	عرفان شرقی: تأثیر اولیه بر گروتفسکی
۴۶	متافیزیک گروتفسکی: رستگاری از طریق ایثار خویشتن
۴۷	دو مفهوم تغییر
۴۹	منظور و هدف گروتفسکی از تئاتر
۵۵	یادداشت‌های فصل اول

فصل دوم

۵۷	ماهیت و اهداف تعالیم کریشنامورتی
۵۹	زندگی کریشنامورتی

۶۱		تعالیم کریشنامورتی
۶۵		جوهر تعالیم کریشنامورتی
۶۷		کریشنامورتی و گروتفسکی: شباهت‌ها
۷۱		ادراک ناب
۷۴		سکوت ذهن
۷۵		واژه شیء نیست

فصل سوم

۸۱		گروتفسکی از جستجوی «تئاتر ناب» تا جستجوی «انسان ناب»
۸۴		الف. دوران تئاتری در جستجوی تئاتر ناب
۸۷		حوای نیاکان: مواجهه با اسطوره، تصویر مسیح
۹۱		کور دیان: قربانی کردن خود، «من»
۹۳		آکروپولیس
۹۷		سرگذشت تراژیک دکتر فاوست
۹۹		همیشه شاهزاده: بازی پالایش
۱۰۴		آپوکالیپس کام فیگوریس
۱۰۷		ب. دوره‌ی پساتئاتری: در جستجوی انسان «ناب»
۱۰۹		«فرا تئاتر»: امکان بالقوه‌ای برای «تماس مستقیم»
۱۱۱		تئاتر سرچشمه‌ها: جستجوی سرچشمه‌ی زندگی
۱۱۳		درام ابژکتیو: رقصی که رقصنده را به رقصیدن وامی‌دارد
۱۱۵		«هنر به مثابه محمل»: آخرین پروژه‌ی گروتفسکی

فصل چهارم

۱۱۹		روش (متد) گروتفسکی
۱۲۴		«روش سلبی (نفی)» چیست؟
۱۲۶		منظور کریشنامورتی از «نفی» چیست؟
۱۲۸		نه قاعده/ نه متد
۱۳۲		یادداشت‌های فصل چهارم

مقدمه‌ی استاد مصطفی ملکیان

یکی از انواع فعالیت‌های که هر انسانی در طی زندگی، دارد آن نوع فعالیتی است که به قصد تغییرِ ساحتِ درونیِ خود با دیگران انجام می‌دهد، یعنی به این قصد که باورها یا احساسات و عواطف یا خواسته‌ها و میل‌ها و اراده‌ها و هدف‌ها و آرمان‌های خود با دیگران را دگرگون کند و، در نتیجه و بالطبع، دگرگونی‌ای در ساحت بیرونی، یعنی در گفتار یا کردار، پدید آورد. میتوان کلّ این نوع فعالیت و "تعلیم و تربیت" نامید و روان‌درمانگری را در ذیل تعلیم و تربیت گنجانند؛ میتوان کلّ آن را "روان‌درمانگری" خواند و تعلیم و تربیت را زیرمجموعه‌ی روان‌درمانگری تلقی کرد؛ و میتوان بخشی از این کلّ را "تعلیم و تربیت" و بخش دیگر را "روان‌درمانگری" تعبیر کرد و، بنابراین، تعلیم و تربیت و روان‌درمانگری را اجزای سازنده‌ی یک کلّ و مکمل یکدیگر دانست.

به هر تقدیر، جای این پرسش هست که این تعلیم و تربیت و/یا روان‌درمانگری، در صورتِ آرمانی و کمالِ مطلوب‌اش، آدمیان را به کجا می‌نماید و می‌برد. در وضع موجودِ آدمیان چه عیب و نقص‌ای می‌بیند که در صدد است که رفع‌اش کند و آنان را به وضع مطلوب هدایت کند و برساند؟ وجوه تفاوتِ این وضع موجودِ نامطلوب را با آن وضع مطلوبِ ناموجود چه چیزها میداند؟

در پاسخ به این قسم پرسش‌ها، شاید بتوان گفت که دگرگون‌سازی

ساحتِ درونیِ آدمیان، و به تبعِ ساحتِ بیرونیِ آنان، یکی از این سه هدف را میتواند داشت: الف) کاستنِ هرچه بیشتر از درد و رنج‌ها، ناخوشیها، ناشادیها، و عدمِ رضایت‌هایِ آدمیان در زندگی و از زندگی و افزودنِ هرچه بیشتر بر لذت‌ها، خوشیها، شادیها، و رضایتهایِ آنان؛ ب) اخلاقیتِ کردنِ هرچه بیشترِ آدمیان، یعنی حتّی‌الامکانِ سوق دادن‌شان به سوی صداقت، تواضع، عدل و انصاف، شفقت، و عشقِ بیشتر؛ و ج) تا حدِّ ممکن و مقدور مکشوف کردنِ حقیقتِ بر آنان، به معنایِ رویارو کردنِ شان با حقائقِ هستی، عالم و آدم، و زندگی. هدفِ اوّل مبتنی بر این فرض است که انسانها زیباییهایِ جهان را ادراک نمیکند و در زندگی و از زندگی چنان‌که باید و شاید لذّت نمیبند؛ هدفِ دوم مبتنی بر این فرض است که انسانها زندگیِ اخلاقی ندارند و از نیکیِ کافی و وافی برخوردار نیستند؛ و هدفِ سوم مبتنی است بر این فرض که انسانها، لااقل در خصوصِ امورِ بنیادی، مهم، و حیاتی، دست‌خوشِ جهل، خطاء اوهام و خیالات، توهم، خرافه، و فریب‌خورندگی‌اند، به حائِیِ امور معرفت ندارند، و از حقیقتِ محروم و بیبهره‌اند.

کاملاً ممکن است که تعلیم و تربیت و/یا روان‌درمانگری‌های باشند که فقط یکی از این سه هدف را نداشته باشند و، مثلاً، هدفِ اوّل و هدفِ دوم با هدفِ دوم و هدفِ سوم یا هدفِ سوم و هدفِ اوّل را با هم تلفیق کرده باشند و، البته، این تلفیقها در صورتی امکان‌پذیراند که دو هدفِ موردِ نظر با هم سازگار باشند و، مثلاً، درد و رنجِ هرچه کمتر و/یا لذّتِ هرچه بیشتر با اخلاقیتِ بودنِ هرچه بیشتر منافات نداشته باشد یا اخلاقیتِ بودنِ هرچه بیشتر و رویارو شدنِ هرچه بیشتر با حقیقتِ منافات با هم نداشته باشند یا رویارو شدنِ هرچه بیشتر با حقیقتِ بر درد و رنج‌ها نیفزاید و/یا از لذت‌ها نکاهد.

نیز، ممکن است معلّمان و مربّیان و/یا روان‌درمانگران‌ای باشند که درصددِ تلفیق و ادغامِ این هر سه هدف باشند. طبیعتاً، پیش‌فرضِ اینان

باید این باشد که آدمی میتواند هم کمترین درد و رنج را بکشد و ببرد و/یا بیشترین التذاذ را داشته باشد و هم به بیشترین حد ممکن زندگی و عمل اخلاقی داشته باشد و هم هرچه بیشتر با حقیقت رویارو شود.

این پیش فرض پیش فرض بسیار سترگ و خطیرای است و شاید به نظر بسیاری از ما دل انگیزتر از آن باشد که بتواند واقعیت داشته باشد، چرا که حاکی از این است که میتوان، در عین حال، به هر سه آرمانی که افلاطون برای بشر تصوّر و تصویر کرده بود، یعنی به سه آرمان حقیقت و معرفت، خیر و اخلاقیات، و زیبایی و لذّت، دست یافت.

ولی، خبر خوش آن که همه‌ی فرزندگان، عموم عارفان، بسیاری از فیلسوفان، و بعضی از روان‌شناسان بر آن اند که جمع این سه هدف نه فقط مطلوب، بل، ممکن است. کریشنامورتی (Krishnamurti)، فیلسوف عرفان مشرب، مهدی (۱۸۹۵-۱۹۸۶)، و گروتفسکی (Grotowski)، نظریه پرداز و کارگردان تئاتر لهستانی (۱۹۳۳-۱۹۹۹)، که مسعود دلخواه، در این نوشته، به وجوه تشابه و گه گاه وجوه تفاوت آراء و نظرات شان میپردازد، از جمله‌ی این متفکران اند، که حقیقت، خیر، و جمال را نه فقط هماهنگ، همسو، و همراستا میبینند، بل، معتقد اند که حقیقت، لامحاله، به خیر، و خیر، لاجرم، به زیبایی و لذّت، ره نمون میشود.

البته، آنچه لزوماً بر عهده‌ی صاحبان این ادعا، میفتد، قبل از هر چیز، ایضاح خود مدّعاست: به چه معنا از "حقیقت/ راستی" و "خیر/ نیکی" و "جمال/ زیبایی" میتوان این سه را هماهنگ و حتا ملازم یکدیگر دانست؟

مراد از "حقیقت/ راستی" الف) واقعیت در برابر ظواهر، یعنی بود در برابر نمودها است، یا ب) گزاره‌ای که مطابقت اش با واقع اثبات یا پذیرفته شده است و، یا پ) واقعیت آرمانی یا مبنایی‌ای که جدا از تجربه‌ی حسی و فراتر از آن است، و یا ت) آنچه منشأ نهایی عالم واقع تلقی میشود؟